

رابطه هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن

نادر کریمیان^۱

سمانه سالاری^۲

بختیار ملک‌کاری^۳

تاریخ وصول: ۹۳/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۵

چکیده

با توجه به ظهور شکل‌های جدید روابط قبل از ازدواج در سالیان اخیر در میان جوانان، مطالعه حاضر با هدف کشف علل و انگیزه‌های افراد برای انتخاب این سبک زندگی انجام شد. در این مطالعه، روش‌شناسی کیفی به‌عنوان روش‌شناسی غالب انتخاب گردید. جهت یافتن افراد نمونه از تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد. بعد از یافتن چند نمونه اول از طریق دوستان و آشنایان، همان نمونه‌ها پس از مصاحبه و فرایند جلب اعتماد، رابط و واسطی شدند برای آشنایی و مصاحبه با نفرت بعدی. برای گردآوری اطلاعات از ۲۳ زن و مرد که دارای رابطه هم‌خانگی بودند مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد. افراد شرکت‌کننده اکثراً در شهرهای بندرعباس، کرمان و تهران سکونت داشتند. داده‌های به‌دست‌آمده با رویکرد تفسیری تحلیل شدند. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیری، ۶ مقوله‌ی اصلی با عناوین: آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن، مزایای اقتصادی، نیازهای عاطفی و جنسی، نگرانی از پیامدهای طلاق، کم‌رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی، به‌عنوان دلایل گرایش افراد به روابط هم‌خانگی استخراج گردید. شیوع آرام و خزننده روابط هم‌خانگی، آمار بالای طلاق، وفور خیانت‌های عاطفی و جنسی افراد متأهل و شیوع سبک‌های غربی روابط قبل از ازدواج همگی بنیان خانواده ایرانی را نشانه رفته‌اند. و حل این معضلات نیازمند عزم جدی مسئولان و

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)

Naderk65@yahoo.com

۲. فوق لیسانس مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان nfcounselor@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، استاد مدعو گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد سردشت

honeybaran1390@yahoo.com

متخصصان در سطح کلان جهت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شغلی، کارآفرینی، محتوای رسانه ملی، تحصیلات عالی و حوزه فرهنگ می‌باشد.

واژگان کلیدی: هم‌خانگی، آزمون مکملیت، ازدواج آزمایشی، مزایای اقتصادی.

مقدمه

امروزه در کشورمان با گونه‌های متفاوتی از روابط جنسی پیش از ازدواج مواجهیم که خاستگاه‌های متفاوتی دارند. آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) با تحلیل مصاحبه‌هایی که با جوانان تهرانی داشته‌اند، سبک رابطه بین دو جنس قبل از ازدواج را در تهران بدین گونه سنخ‌شناسی کرده‌اند: ۱- روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)، ۲- روابط مبتنی بر صیغه، ۳- روابط دوست دختر - دوست پسر، ۴- روابط هم‌خانگی، ۵- روابط ضد عاشقانه (الگوهای فریب) و ۶- روابط مبتنی بر عشق سیال.

افراد مختلف با فشارهای ناشی از «بلوغ جنسی»، از یک سو و «افزایش سن ازدواج»، از سوی دیگر، و شکاف رو به گسترش میان این دو به گونه‌های متفاوتی برخورد می‌کنند. برخی افراد برای پر کردن این خلأ به روابط مقطعی و عاشقانه روی می‌آورند، اما روابط عاشقانه در الگوهای پیشرفته، خود، به روابط «هم‌خانگی» منجر می‌شود. این الگوی جدید همه ویژگی‌های الگوی رابطه دوستی عاطفی را دارد، با این تفاوت که این افراد با یکدیگر زندگی «زیر یک سقف» و رابطه جنسی بدون ازدواج را نیز تجربه می‌کنند و زندگی اقتصادی مشترکی دارند.

در چند دهه اخیر، نهاد «خانواده» در جهان تحولات گسترده‌ای داشته است؛ تحولاتی که ریشه‌های آن را باید در انقلاب جنسی^۲ اواخر دهه ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست‌وجو کرد (کار^۳، ۲۰۱۱). این انقلاب با اسطوره‌زدایی از رابطه جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که به راحتی در «قبل از ازدواج» دست‌یافتنی است. در اوایل انقلاب جنسی، هر چند به تدریج سن ازدواج در اروپا و آمریکا افزایش یافته بود،

1. cohabitation
2. sexual revolution
3. Carr

با این حال، بسیاری از افراد همچنان ازدواج می‌کردند، منتها با اندکی تأخیر، اما این همه راه نبود و انقلاب جنسی، با گسترش الگوهای هم‌خانگی، ضربه‌های سخت‌تری را این بار نه صرفاً به اسطوره روابط جنسی، بلکه به خود ازدواج وارد کرد (بومپاس و لو، ۲۰۰۲، فرنچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۴).

در دوره‌های اولیه پیدایش هم‌خانگی، غالباً افراد فقیر، که توانایی ازدواج نداشتند، وارد این گونه روابط می‌شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علل شکل‌گیری آن بود. عده‌ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می‌شدند. (سورنتون و همکاران، ۲۰۰۷، ارمیسک^۳، ۲۰۰۵) بعد از جنگ جهانی دوم، در آلمان، زنان میانسال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود، غالباً هم‌خانگی را به ازدواج مجدد ترجیح می‌دادند، چون نمی‌خواستند حقوق دوران بیوگی آنها، که دولت پرداخت می‌کرد، قطع شود. امروزه در یازده کشور اروپایی از هم‌خانگی، به مثابه یک رابطه قانونی حمایت می‌شود. می‌توان گفت گسترش هم‌خانگی در کشورهای غربی، به مثابه شکل جدیدی از خانواده، مهم‌ترین تغییر در الگوهای خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است (نازیو^۴، ۲۰۰۸). نتایج تحقیقات در دیگر کشورها حاکی از آن است که روابط هم‌خانگی امروزه در سراسر اروپا و آمریکا، به‌خصوص در میان نسل‌های جوان‌تر، به طور چشم‌گیری در حال پذیرش و افزایش است. به طور مثال در آمریکا، در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی می‌کردند. این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در آمریکا در قالب هم‌خانگی با یک‌دیگر زندگی می‌کنند (گودوین^۵ و همکاران، ۲۰۱۰، کندی و بومپاس^۶، ۲۰۰۸).

-
1. Bumpass & Lu
 2. French
 3. Ermisch
 4. Nazio
 5. Goodwin
 6. Kennedy & Bumpass

نتایج تحقیق کوپن^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد احتمال هم‌خانه شدن زنان ۲۰ ساله ۲۶ درصد، ۲۵ ساله ۵۵ درصد و در زنان ۳۰ ساله در حدود ۷۴ درصد می‌باشد. و احتمال بچه‌دار شدن در اولین سال هم‌خانگی در میان سفیدان ۱۳ درصد و در میان سیاهان ۲۴ درصد می‌باشد. هم‌چنین نتایج نشان داد ۴۸ درصد زنان ۴۴-۱۵ ساله درگیر رابطه هم‌خانگی می‌باشند و فقط ۲۳ درصد این افراد درگیر رابطه ازدواجی بودند.

در مقابل، میزان هم‌خانگی در کانادا، رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است (بورداس و لاپیره^۲، ۲۰۰۴). در این بین، سونامی هم‌خانگی و تغییرات الگوی خانواده، هر چند دیر، ولی به آسیا هم رسیده است. در ژاپن نرخ هم‌خانگی از ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۲۲/۵ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است اگر چه هم‌خانگی در ژاپن و سایر کشورهای شرق آسیا بیشتر پیش‌درآمدی بر ازدواج است تا جایگزین و رقیب ازدواج (کوجیما^۳، ۲۰۱۰). نتیجه مطالعه صفایی (۱۳۹۰) با عنوان «جوانان و عشق؛ تأثیر زمینه اجتماعی در مفهوم‌پردازی رابطه عاشقانه» و مطالعه ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، هم‌خانگی در کلان‌شهرهای ایران نظیر تهران نیز برای خود جایی باز کرده است و توجه به آن به عنوان یکی از شکل‌های رابطه پیش از ازدواج قابل تأمل است.

در ادبیات پژوهشی خارجی، مطالعات زیادی در زمینه اثرات هم‌خانگی انجام گرفته است. یافته‌های کولو و بویل^۴ (۲۰۱۰) و لینگستاد و جالوارا (۲۰۱۰) نشان داد افرادی که قبل از ازدواج با هم‌خانه بوده‌اند نسبت به افرادی که سابقه هم‌خانگی ندارند بیشتر در معرض خطر تعارضات و از هم‌گسیختگی زناشویی قرار دارند. از برخی جهات زندگی کردن با یکدیگر همانند یک ارتباط کامل در ازدواج است اما با یکدیگر زندگی کردن نه یک ازدواج است و نه یک آمادگی خوب برای ازدواج (اچ اولسون، ۱۳۹۱).

1. Copen
2. Bourdais & Lapierre
3. Kojima
4. Kulu & Boyle

استنلی^۱ و همکاران (۲۰۰۸) یافته‌های عمده در زمینه هم‌خانگی را مقوله‌بندی و به صورت خلاصه ارائه کردند که در جدول شماره ۱ بیان شده است.

جدول ۱. مروری کوتاه بر یافته‌های عمده در زمینه هم‌خانگی (به نقل از استنلی و همکاران، ۲۰۰۸)

مقوله	یافته‌های عمده	نویسنده/نویسندگان
	داشتن باورهای سنتی مذهبی با احتمال هم‌خانگی کمتر ارتباط دارد	لیلارد و همکاران، ۱۹۹۵؛ استنلی و همکاران، ۲۰۰۴؛ سورتون، ۱۳۹۲
	افرادی که والدینشان طلاق گرفته‌اند به احتمال بیشتری هم‌خانگی می‌کنند	دش و همکاران، ۲۰۰۳؛ تاجمن، ۲۰۰۳
زمینه	سیاهان، سفیدان و لاتین تبارها به یک میزان هم‌خانه می‌شوند اما سیاهان به احتمال کمتری بعداً ازدواج می‌کنند	منینگ، ۱۹۹۵
	تعداد بیشتر شریک جنسی به عنوان هم‌خانه با خطر بیشتر طلاق همبسته است.	تاجمن، ۲۰۰۳؛ لیچر و جیان، ۲۰۰۵
	تعداد زیادی از جوانان اعتقاد دارند هم‌خانگی راهی برای آزمایش کردن رابطه است	جانسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ سورتون و همکاران، ۲۰۰۱
باورهای عمومی	زنان جوان دیرستانی بیشتر از مردان بر این عقیده‌اند که مزایای ازدواج بیشتر از هم‌خانگی و یا مجرد ماندن است	وایتهد و پوپنو، ۲۰۰۲
	گرایش خیلی ضعیفی به اینکه داشتن امنیت مالی قبل از ازدواج بهتر است وجود دارد بنابراین آن‌ها هم‌خانگی بلندمدت را ترجیح می‌دهند	ادین و همکاران، ۲۰۰۴
	هم‌خانگی قبل از ازدواج با تعداد بیشتری شریک یا هم‌خانگی بلندمدت با کاهش ارزش ازدواج و بچه‌دار شدن همبسته است.	مک جینیس، ۲۰۰۵
کیفیت رابطه	هم‌خانگی پیش از ازدواج با روبرو منفی بیشتر در ازدواج و همچنین رمزگردانی عینی (تفسیر) تعاملات زوج همبسته است	کوهان و کلینام، ۲۰۰۲؛ استنلی و همکاران، ۲۰۰۴

هم‌خانگی پیش از ازدواج با سطوح پایین تر رضایت زناشویی در ارتباط است	استنلی و همکاران، ۲۰۰۴؛ استافورد و همکاران، ۲۰۰۴؛ براون، ۲۰۰۴
هم‌خانگی پیش از ازدواج با بی‌ثباتی زناشویی ادراک شده بیشتر و احتمال خشونت خانگی بیشتر مرتبط است	کلاین و همکاران، ۲۰۰۶؛ کمپ داش، ۲۰۰۷
طلاق در میان افرادی که قبل از ازدواج هم‌خانه بوده‌اند محتمل‌تر است خصوصاً در میان افرادی که بیشتر از یک شریک داشته‌اند	فیلیپ و سوینی، ۲۰۰۶؛ تیچمن، ۲۰۰۳؛ کمپ داش و همکاران، ۲۰۰۳
هم‌خانگی پیش از ازدواج با سطوح بالای افسردگی و سطوح پایین عزت نفس و هم‌چنین رضایت از زندگی همبسته است	استافورد و همکاران، ۲۰۰۴
هم‌خانگی پیش از ازدواج با احتمال داشتن سابقه رفتارهای مجرمانه مرتبط است. در روابط هم‌خانگی، نرخ بالاتر سوء استفاده جنسی، عاطفی و مالی مشاهده می‌شود.	وودز و امری، ۲۰۰۲
مردانی که سابقه هم‌خانگی پیش از ازدواج دارند کمتر خود را وقف شریکشان می‌کنند اما این در مورد زنان صادق نیست.	استنلی و همکاران، ۲۰۰۷
هم‌خانگی پیش از ازدواج با هدف ازدواج به نسبت هم‌خانگی بدون هدف ازدواج، دارای کیفیت رابطه بالاتری است.	براون، ۲۰۰۴؛ براون و بووس، ۲۰۰۵

آسیب‌های شخصی

تعهد

مطالعات صورت گرفته در زمینه دلایل گرایش افراد به هم‌خانه شدن چندان با هم توافق ندارند و دلیل عمده آن این است که هر محقق از یک دیدگاه خاص به قضیه نگریسته است. اچ اولسون (۱۳۹۱) از دید یک روانشناس خانواده به پدیده هم‌خانگی نگریسته است و انواع هم‌خانگی و دلایل گرایش به این سبک زندگی را به صورت زیر توضیح می‌دهد: پتوی محافظتی؛ این نوع ارتباط زمانی اتفاق می‌افتد که یک شریک خیلی وابسته یا نایمن است. او رابطه با هر فردی را که تنها باشد ترجیح می‌دهد. شریک نایمن

اغلب ارتباط آزادی را که در آن یک رابطه موفق بتواند رشد کند مشکل می‌داند. شریک قوی‌تر احساس می‌کند که نمی‌تواند از زوج ضعیف‌تر انتقاد کند. زمانی که رابطه به پایان می‌رسد، عزت نفس متزلزل شریک ضعیف‌ناایمن از سطح قبلی نیز پایین‌تر می‌آید. تا آنجا که قطع چنین ارتباطی به شدت احساس گناه ایجاد می‌کند. رهایی: بعضی از مردم از باهم زندگی کردن به عنوان شیوه‌ای برای رهایی از دست ارزش‌ها و نفوذ والدین استفاده می‌کنند. این افراد به دلیل عدم احساس استقلال وارد این نوع زندگی مشترک می‌شوند. زوج در این شکل از زندگی در رنج هستند زیرا فرد در جستجوی استقلال از یک وضعیت وابسته وارد وضعیت وابسته دیگری می‌شود و این وضعیت تمام‌شدنی نیست. آسایش: رابطه‌ای که در آن یک فرد گیرنده و فرد دیگر دهنده است اغلب ارتباطی از نوع راحتی یا آسایش است. ارتباطات همزیستی از این نوع ممکن است شامل مردی باشد که مهارت خانه‌داری خوبی دارد (اگرچه برخی ممکن است به دلایل اقتصادی، ارضای غریزه جنسی و مسایل مالی هم با یکدیگر زندگی کنند). و زن عرضه‌کننده عشق، امید، و نگهداری از خانه را بر عهده می‌گیرد، اما جرئت تقاضای ازدواج را ندارد. هنگامی که همه کارها انجام شد و همه چیزها گفته شد مرد در هنگام جدایی چیزی را از دست نمی‌دهد و زن هم یاد گرفته است که انتظار زیادی از مرد نداشته باشد. آزمایش کردن: بعضی از مردم زندگی کردن با هم را به عنوان یک زمینه آزمایشی واقعی برای ازدواج کردن می‌دانند اگر هر دو شریک نسبتاً پخته باشند و آگاهانه برای زندگی کردن با یکدیگر تلاش بکنند، این امر خود می‌تواند از برخی جهات نشانه تشابه در ازدواج باشد اما در هر صورت فاقد درگیری جدی برای ازدواج کردن است و آمادگی مناسبی نیز برای ازدواج نمی‌باشد.

در مطالعه جکسون^۱، (۲۰۱۱)، ادین^۲ و همکاران (۲۰۰۴) و اسموک، کاسپر و وایز (۲۰۰۸) افراد شرکت‌کننده دلایل زیر را برای هم‌خانه شدن خود بیان کردند: مزیت‌های اقتصادی^۳: ما می‌توانیم با تقسیم هزینه‌ها، مقداری پول ذخیره کنیم. زمان با هم بودن: ما می‌توانیم مدت بیشتری با هم باشیم. افزایش صمیمیت: ما فرصت‌های بیشتری برای در میان

1. Jakson

2. Edin

3. financial benefits

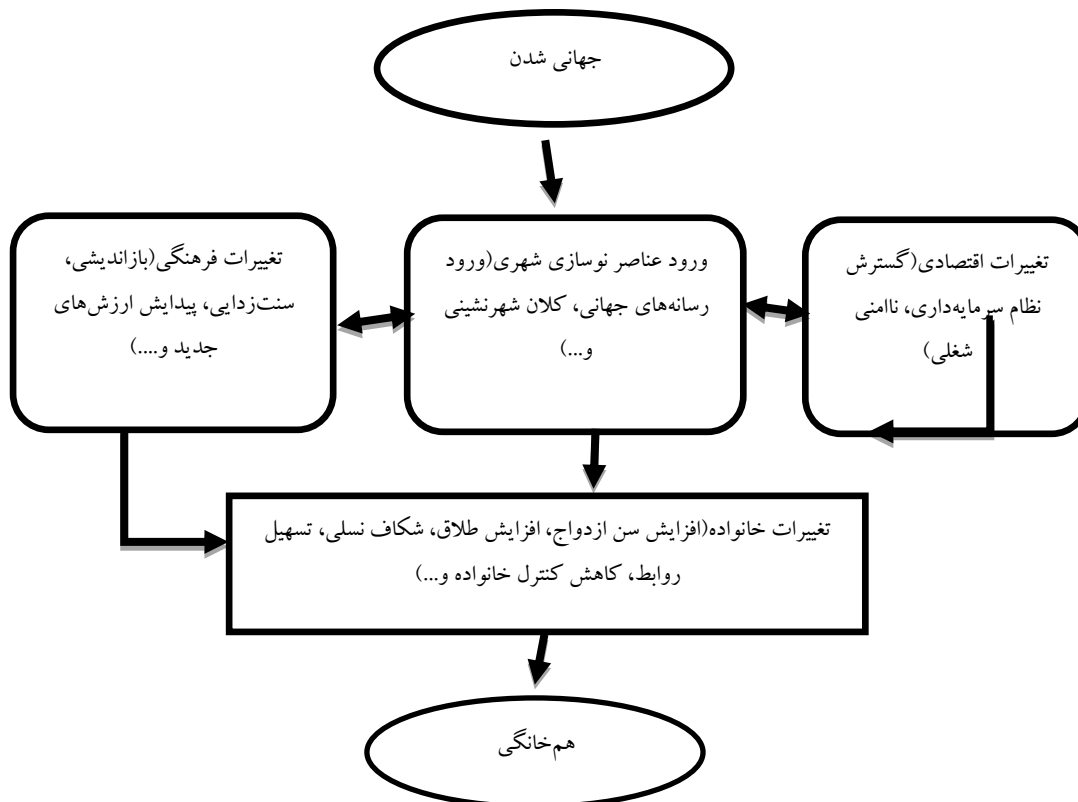
گذاشتن صمیمیت عاطفی و جنسی بدون مزدوج شدن داریم. انحلال بدون دردسر: اگر زندگی کارآمد و بر وفق مراد نباشد، طلاق آشفته‌کننده‌ای وجود ندارد. آزمودن سازگاری: زندگی با هم این امکان را می‌دهد که از عادات و خصیصه‌های یکدیگر بیشتر آگاه شویم. ازدواج آزمایشی^۱: ما در حال برنامه‌ریزی برای ازدواج هر چه زودتر هستیم.

در مطالعات صورت گرفته، داشتن باورهای مذهبی و ایده‌آل‌های سنتی، اعتقاد به مضر بودن هم‌خانگی، آسیب دیدن شرکا و آبرومند نبودن برای طرفین، عدم تأیید رابطه جنسی پیش از ازدواج و متعهدانه نداشتن رابطه‌هایی به جز ازدواج از فاکتورهایی بودند که با احتمال هم‌خانه شدن همبستگی منفی داشتند و پیش‌بینی‌کننده عدم گرایش فرد به هم‌خانگی بودند (جکسون، ۲۰۱۱ و آریو، ۲۰۱۳). مطالعه فرنچ و همکاران (۲۰۱۴) بر روی ۹۸۳۵ جوان آمریکایی نشان داد که خصوصیات شخصیتی چون جذابیت فیزیکی، جذابیت شخصیتی و آراستگی ظاهری نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌دار انتخاب هم‌خانگی از سوی افراد باشند. در این مطالعه دوسوم شرکت‌کنندگان اعلام کردند که نسبت به انگیزه اصلی خود برای هم‌خانه شدن مطمئن نیستند و شکل‌گیری آن را بک فرایند تدریجی دانستند. و فقط ۲۵ درصد زوج‌ها، قبل از زندگی با هم، راجع به هم‌خانگی بحث کرده بودند.

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه کیفی خود به بررسی دلایل شیوع هم‌خانگی در میان جوانان تهرانی پرداخته‌اند و از دیدگاه جامعه‌شناختی به تبیین این قضیه پرداخته‌اند. این تحقیق ویژگی‌های افرادی که تمایل به روابط هم‌خانگی به جای ازدواج را دارند، چنین برمی‌شمرد: "دو شریک اغلب افرادی شاغل و با تحصیلات دانشگاهی و تفکراتی روشن‌فکرانه‌اند که معمولاً به بهانه تجربه زندگی مجردی و مستقل، از خانه پدری بیرون آمده‌اند و بدون آنکه والدین را از ماجرا باخبر کنند، به زندگی مشترک با یکدیگر روی آورده‌اند." در تبیین جامعه‌شناختی چرایی پیدایش روابط هم‌خانگی، به عواملی نظیر تغییرات اقتصادی؛ ورود سرمایه‌داری و پیدایش ناامنی شغلی، تغییرات فرهنگی؛ لیبرالیسم

1. trial for marriage

اخلاقی و بازانديشي سنت، ورود عناصر نوسازي و گمنامي شهري، از بين رفتن مفهوم و کارکرد محله، تغييرات در ساخت خانواده و پيدايش روابط مقطعي اشاره شده است.



نمودار ۱. مدل ارائه شده ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) برای تبیین پیدایش هم‌خانگی

آمار بالای طلاق و تعارضات زناشویی، بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان و خصوصاً قشر تحصیل کرده اجتماع، مهاجرت و سکونت افراد در شهرهای بزرگ به دلایل کاری و تحصیلی و عدم نظارت خانواده، عدم تمکن مالی افراد جهت تشکیل خانواده یا گذران زندگی و تغییر سبک زندگی در میان جوانان و ظهور سبک‌های جدید ارتباطی، تنها بخشی از تهدیدهایی است که امروز بنیان خانواده را در ایران تهدید می‌نماید. با توجه به موارد یاد شده و از آن جایی که تاکنون در کشور ما پدیده هم‌خانگی به طور عمیق و

همه‌جانبه مورد بررسی قرار نگرفته است، این مطالعه با هدف بررسی علل گرایش افراد به هم‌خانه شدن از دیدگاه خود آنان صورت گرفت.

روش جمع‌آوری اطلاعات: هدف مطالعه حاضر، بررسی علل گرایش جوانان به روابط هم‌خانگی بود به همین دلیل روش‌شناسی کیفی به عنوان روش‌شناسی غالب انتخاب گردید. این روش به دنبال درک واقعیت و جهان اجتماعی از نقطه‌نظر افراد می‌باشد و قصد دارد معنایی را که آنان به تجارب خود می‌بخشند درک کند. منطق نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی، منطق نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد. از آن جا که جمعیت مورد مطالعه، پنهان می‌باشند و شناسایی آنان به راحتی امکان‌پذیر نیست جهت یافتن افراد از تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌برفی یا نمونه‌گیری زنجیره‌ای بهره گرفته شد. روند نمونه‌گیری به این صورت بود که بعد از یافتن چند نمونه اول از طریق دوستان و آشنایان، همان نمونه‌ها پس از مصاحبه و فرایند جلب اعتماد، رابط و واسطی می‌شدند برای آشنایی و مصاحبه با نفرات بعدی. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد افراد نمونه تصمیم‌گیری شد. بر این اساس وقتی مصاحبه‌ها اطلاعات بیشتری در اختیار محقق قرار ندهد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی باشد فرایند گردآوری اطلاعات متوقف می‌شود. بنابراین برای گردآوری اطلاعات از ۲۳ زن و مرد که دارای رابطه هم‌خانگی بودند مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد. افراد شرکت‌کننده اکثراً در شهرهای بندرعباس، کرمان و تهران سکونت داشتند.

در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل تفسیری استفاده شد. تحلیل تفسیری فرایندی برای بررسی دقیق داده‌های پژوهش کیفی می‌باشد که هدف اصلی آن یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهای است که برای توصیف و تبیین پدیده مورد پژوهش به کار می‌روند (گال، بورگک و گال، ۱۳۸۶).

یافته‌های پژوهش

در مطالعه حاضر، اطلاعات از طریق مصاحبه با ۱۴ زن و ۹ مرد جمع‌آوری گردید. متوسط سن شرکت‌کنندگان ۲۸ سال بود. ۱ نفر از شرکت‌کنندگان دارای مدرک دکتری، ۱ نفر دانشجوی دکتری، ۱۲ نفر دارای مدرک کارشناسی یا دانشجوی کارشناسی، ۵ نفر دارای

مدرک کارشناسی ارشد یا دانشجوی ارشد و بقیه دارای مدرک متوسطه بودند. ۳۰ درصد شرکت‌کنندگان دانشجوی یا فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های دولتی و بقیه متعلق به سایر دانشگاه‌ها بودند. اکثر شرکت‌کنندگان سابقه زندگی در خابگاه‌های دانشجویی را داشتند. در پاسخ به سؤال در زمینه مصرف مواد و مشروبات، اکثر مردان شرکت‌کننده اعلام کردند معمولاً سیگار و مشروبات الکلی مصرف می‌کنند. ۶ نفر از خانم‌ها اعلام کردند اصلاً به دخانیات و مشروب لب نزنده‌اند، بقیه خانم‌ها اعلام کردند به صورت تفننی و یا معمولاً در مهمانی‌ها سیگار و مشروبات مصرف می‌کنند. از لحاظ گرایش‌های مذهبی، شرکت‌کنندگان تقریباً نگرش‌های مشابهی داشتند. اکثر مردان اعلام کردند به دین و مذهب اعتقادی ندارند در حالی که خانم‌ها بیشتر خود را به‌عنوان افرادی مقید اما کاهل در انجام تکالیف و عبادات معرفی می‌کردند. به جز یک نفر، بقیه شرکت‌کنندگان متعلق به شهرهایی که در آن جا به صورت هم‌خانه زندگی می‌کردند نبودند و اصطلاحاً غریب بودند. فقط یکی از شرکت‌کنندگان سابقه ازدواج قبلی داشت و ۲۲ نفر دیگر، فقط سابقه روابط ساده دوستی با جنس مخالف را داشتند.

در پاسخ به سؤال در زمینه میزان تعهد و رضایت از رابطه هم‌خانگی، نیمی از شرکت‌کنندگان که اکثراً هم‌مرد بودند آن را بسیار رضایت‌بخش و متعهدانه توصیف کردند. مثلاً آقای ج، ۳۰ ساله، گفت: "بسیار خوب است. اطمینان کامل به یکدیگر. اگر هم قرار به بودن با کس دیگری باشد گفته می‌شود پس در هر حالتی خیانتی در کار نیست. کیفیت رابطه هم عالی. تنها نگرانی از بابت اجتماع و خانواده در صورت مطلع شدن". اما بقیه آن را بیشتر به صورت یک معامله و رابطه ناامن توصیف کردند. مثلاً خانم س، ۲۷ ساله، گفت: "رابطه ما هیچ کیفیتی ندارد و بیشتر شبیه یک معامله است. شریک‌م نیاز مالی من را تأمین می‌کند و من نیازهای جنسی و عاطفی او را".

از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که آیا آنان و شریکشان تمایلی به ازدواج با هم دارند یا در این زمینه به یکدیگر قولی داده‌اند. در پاسخ به این سؤال، ۳ نفر اعلام کردند در این زمینه به شریکشان قول داده‌اند و بعد از بهبود شرایط اقتصادی یا تحصیلی ازدواج می‌کنند. خانم ب، ۲۵ ساله، گفت: "رابطه ما از آزمایش‌های متعددی سالم بیرون آمده و ما در

صورتی که شریکم درسش تمام شود و شغل بهتری پیدا کند ازدواج می‌کنیم". اکثریت شرکت‌کنندگان اعلام کردند در این زمینه قول و قراری نداشته‌اند و تصمیمی برای ازدواج نگرفته‌اند. ۶ نفر نیز گفتند قول و قرار نداشته‌اند اما امکان دارد رابطه‌شان به ازدواج ختم شود. مثلاً آقای ج، ۳۰ ساله، گفت: "قولی داده نشده. ولی هر لحظه ممکن است در این راستا تصمیم گرفته شود. شرایط اقتصادی هم در این بین بی‌تأثیر نیست". خانم پ، ۲۹ ساله، گفت: "خبر قراری نگذاشتیم. ولی ممکن است اتفاق بیفتد". آقای م، ۲۷ ساله، گفت: "شاید امکان زیادی هست که این تصمیم اتخاذ شود اگر بخواهیم بچه‌دار شویم". مطالعه حاضر با این هدف صورت گرفت که نشان دهد چرا زنان و مردان جوان، وارد روابط هم‌خانگی می‌شوند. جهت پاسخ‌گویی به این سؤال، اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به روش تفسیری، تحلیل گردید و مقولات اصلی استخراج گردید. فرایند نمونه‌گیری و مصاحبه تا اشباع نظری ادامه یافت. بعد از مصاحبه بیست و سوم هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد. بر اساس تفسیرهای انجام شده چندین مفهوم استخراج گردید که در قالب ۶ مقوله اصلی دسته‌بندی گردید. جدول ۲، مفاهیم و مقولات به دست آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های عمده

مفاهیم	مقولات اصلی
افزایش سن ازدواج	
عدم آمادگی برای ازدواج	آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن
تردید و دودلی در زمینه ارزش ازدواج	
ترس از محدود شدن آزادی و مسئولیت‌پذیری	
صرفه‌جویی در مخارج طرفین	مزایای اقتصادی
تأمین نیاز مالی یک شریک توسط دیگری	
افزایش زمان باهم بودن	
ارضای نیازهای جنسی	نیازهای عاطفی و جنسی
وابستگی عاطفی و نداشتن عزت نفس	
جدایی در دسر ساز:	نگرانی از پیامدهای طلاق
طرد توسط خانواده و جامعه بعد از طلاق	

	کاهش کنترل والدین
	پررنگ شدن نقش شبکه گروه‌های دوستی
کم رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده	رهایی از ارزش‌ها و نفوذ والدین
	ترس از تنهایی و نداشتن حامی
	آزمودن سازگاری
آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی	ازدواج آزمایشی

۱) **آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن:** تشکیل خانواده و ازدواج از یک سو نیازمند تمهیدات و شرایط خاصی می‌باشد و از سوی دیگر مزدوج شدن یک سری شرایط جدید و رفتارهای متفاوت با دوران مجردی طلب می‌کند که برای بعضی افراد ناخوشایند می‌باشد و قابل پذیرش نیست. افزایش سن ازدواج، عدم آمادگی برای ازدواج، تردید و دودلی در زمینه ارزش ازدواج، محدود شدن آزادی و ترس از پذیرش مسئولیت از مفاهیم مرتبط با این مقوله می‌باشند.

افزایش سن ازدواج: بالا رفتن سن ازدواج به دلیل مشکلات اقتصادی، ادامه تحصیل و یا تغییر در نگرش به ازدواج، یکی از دلایلی بود که شرکت‌کنندگان به عنوان دلیل گرایش خود به هم‌خانگی عنوان می‌کردند. مثلاً آقای م، ۲۷ ساله، گفت: "بالا رفتن سن خیلی تأثیر داشته. یعنی در یک سنی انسان‌ها احتیاج به جنس مخالف دارند چه جسمی چه روحی. اگر هم ازدواجی هست یا به دلیل بچه‌دار شدن است یا فشار اجتماع. و گر نه این نوع رابطه بسیار انسانی‌تر به نظر می‌رسد."

عدم آمادگی برای ازدواج: بعضی از شرکت‌کنندگان اعلام کردند به دلیل مشکلات مالی، کنار نیامدن با خود و یا داشتن کارهای مهم‌تر هنوز آمادگی ازدواج کردن ندارند و ترجیح می‌دهند در بطن یک رابطه بی‌دردسرت‌تر، نیازهای خود را برآورده کنند و در کنار شریکشان احساس آرامش کنند. مثلاً خانم پ، ۲۹ ساله، گفت: "من فعلاً کارهایی دارم که مقدم بر ازدواج من هستند. ازدواج در صورت فراهم بودن شرایط اقتصادی، روحی و شخصیتی می‌تواند گزینه‌ی مناسبی باشد."

تردید و دودلی در زمینه ارزش ازدواج: تقلید از سبک زندگی افراد در کشورهای غربی و آمار بالای ازدواج‌ها، افراد را نسبت به اینکه ازدواج بهتر از سایر شکل‌های رابطه

است دچار تردید نموده است. مثلاً خانم ل، ۲۸ ساله، گفت: "ازدواج دائم، صیغه و هم‌خانگی همگی یک رابطه هستند و این قانون نیست که باعث خوب بودن آن می‌شود. تعهد داریم یا موقت کاغذی چیزی را عوض نمی‌کند اگر واقعی نباشد. اگر هم واقعی باشد نیازی به قانون ندارد". آقای ب، ۲۸ ساله، گفت: چه کسی می‌گوید ازدواج بهتر است؟ نصف دوستان من که ازدواج کرده‌اند بعداً طلاق گرفته‌اند. من و دوست دخترم رابطه بسیار عالی داریم هر چند که این سبک زندگی دغدغه‌های خاص خودش را دارد".

ترس از محدود شدن آزادی و مسئولیت‌پذیری: تعدادی از شرکت‌کنندگان اعلام کردند دوست ندارند با ازدواج کردن خود را محدود نمایند. مثلاً خانم د، ۲۵ ساله، گفت: "من قبل از هم‌خانه شدن در خوابگاه زندگی می‌کردم و مدام باید به مسئولان خوابگاه و دوستانم جواب پس می‌دادم اما الان شرایط راحت‌تری دارم و در کل این سبک زندگی راحت‌تر و کم‌دغدغه‌تر است". یا آقای ر، ۲۸ ساله، گفت: "دوست ندارم تا آخر عمر خودم را اسیر یک قرارداد کاغذی کنم. الان زندگی خوبی دارم و همه نیازهایم برطرف می‌شود و اگر بخواهم به راحتی و بدون دغدغه می‌توانم با افراد جدید رابطه برقرار نمایم". بعضی از شرکت‌کنندگان اعلام کردند نمی‌خواهند با ازدواج کردن درگیر یک رابطه تعهدآمیز شوند و از اینکه همه انرژی و وقت خود را صرف حمایت و محافظت از خانواده بکنند بیزارند و دوست دارند فقط مسئول رفتار خودشان باشند و نگرانی دیگری نداشته باشند. مثلاً آقای م، ۳۰ ساله، گفت: "من خودم به اندازه کافی مشکلات دارم پس چرا بار یکی دیگر را نیز به دوش بکشم. نمی‌خواهم مدام نگران قسط، و فامیل و تهیه امکانات زندگی متأهلی باشم. الان من و شریکم هر کدام فقط نگران خودمانیم"

(۲) مزایای اقتصادی: بعضی افراد هم‌خانگی را بخاطر مزیت‌های اقتصادی آن انتخاب کرده‌اند که این خود دو مفهوم را در برمی‌گیرد: صرفه‌جویی در مخارج و تأمین نیاز مالی یک شریک توسط دیگری.

صرفه‌جویی در مخارج طرفین: تعدادی از شرکت‌کنندگان اعلام کردند هم‌خانگی به آنان امکان می‌دهد مخارجشان را تقسیم کنند تا به هیچ‌کدام فشار نیاید و حتی بتوانند مقداری از درامدشان را پس‌انداز کنند. مثلاً خانم ی، ۲۵ ساله، گفت: من دانشجو هستم و

به صورت پاره‌وقت کار می‌کنم و ماهی ۴۰۰۰۰۰ تومان درآمد دارم، دوست‌پسرم نیز شرایطی مشابه من دارد و با این درآمد از پس خرید جهیزیه و ازدواج برنمی‌آییم. هم‌خانگی باعث شده هزینه‌های من کمتر شود و از پس پرداخت شهریه دانشگاه برآییم."

تأمین نیاز مالی یک شریک توسط دیگری: تعدادی از زنان شرکت‌کننده اعلام کردند دلیل اصلی آنها برای هم‌خانه شدن مشکلات مالی بوده است و برای فرار از بی‌پولی و تأمین مخارج‌شان حاضر به هم‌خانه شدن شده‌اند. مثلاً خانم ل، ۳۴ ساله، گفت: بعد از طلاق از همسرم به دلیل خیانت، دیگر جایی را نداشتم بروم. خانواده‌ام مثل سابق مرا نمی‌خواستند و وجود من و پسرم برای آنان اسباب زحمت بود. تا اینکه با شریک فعلیم آشنا شدم و پیشنهادش را پذیرفتم. خانواده‌ام فکر می‌کنند او مرا صیغه کرده است و از شرایطم خبر ندارند. رابطه ما اصلاً جالب نیست اما مجبورم تحمل کنم". خانم س، ۲۳ ساله، گفت: خانواده‌ام مخالف ادامه تحصیل من بودند چون توان پرداخت هزینه‌هایش را ندارند. اما من گفته‌ام خودم در یک شرکت کار پیدا کرده‌ام و درآمد مناسبی دارم. اما در واقع هزینه‌های مرا دوست‌پسرم تأمین می‌کند و من هم برای او کم نمی‌گذارم. رابطه ما شکل یک معامله است. کاش شرایط مالی بهتری داشتم". خانم س، ۲۹ ساله، اظهار کرد: "در هنگام تحصیل در تهران در یک شرکت کار پیدا کردم و از اینکه می‌توانم دور از کنترل و نظارت خانواده زندگی کنم خوشحال بودم. بعد از پایان تحصیل نیز بخاطر ضعف مالی خانواده و فرار از محدودیت‌های یک شهر کوچک در تهران ماندم. تا اینکه صاحب شرکت که متأهل هم بود به من پیشنهاد هم‌خانگی داد و من بخاطر حفظ موقعیت کاریم و ترس از بی‌پولی و مشکلات بدتر، پیشنهادش را پذیرفتم. او برای من خانه گرفت و در شبانه‌روز چند ساعت نزد من می‌آید".

۳) نیازهای عاطفی و جنسی: نیاز به صمیمیت و ارضای نیازهای جنسی از مهم‌ترین تکالیف دوره جوانی می‌باشد که پاسخ‌دهندگان آن را به عنوان یکی از دلایل انتخاب هم‌خانگی بیان نمودند. سؤال در زمینه انگیزه‌های جنسی و یا داشتن سایر شکل‌های رابطه جنسی، بسیار با حساسیت صورت گرفت، چون در مصاحبه با اولین شرکت‌کنندگان، یکی از آنان مصاحبه‌گر را به سوگیری در مورد روابط آنان و داشتن نگرش منفی به سبک

زندگی آن‌ها متهم کرد و مصاحبه را نیمه‌تمام گذاشت. او گفت: "چرا شما فکر می‌کنید ما فقط دنبال خوش گذرانی هستیم. من و شریکم به یکدیگر متعهدیم و بعد از هم‌خانگی هیچ رابطه دیگری را تجربه نکرده‌ایم. دوست ندارم به سؤالات شما پاسخ بدهم و از دوستم که شما را به من معرفی کرد خیلی دلخورم". مفاهیم افزایش زمان باهم بودن، ارضای نیازهای جنسی و وابستگی عاطفی از مفاهیم مرتبط با این مقوله می‌باشند.

افزایش زمان باهم بودن: زمان بیشتری را در کنار هم سپری کردن و لذت بردن از حضور یکدیگر، از جمله دلایلی بود که توسط چند شرکت‌کننده بیان شد. مثلاً خانم ف، ۲۶ ساله، گفت: "من و شریکم قبلاً با هم دوست بودیم و فقط اوقات کوتاهی با هم بودیم و خیلی دلتنگ هم می‌شدیم. تا اینکه دوست پسرم توانست خانه‌ای اجاره کند و من هم با کمال میل قبول کردم".

ارضای نیازهای جنسی: اکثر شرکت‌کنندگان اعلام کردند ارضای نیازهای جنسی اگرچه در هم‌خانه شدنشان اهمیت داشته اما تنها دلیل نمی‌باشد. حتی یکی از خانم‌ها اعلام کرد رابطه جنسیتش با شریکش دارای محدودیت می‌باشد. آقای م، ۳۰ ساله، گفت: "اهمیت نیاز جنسی کم بوده، می‌شود بدون هم‌خانه شدن هم نیاز را برطرف کرد با همان شریک جنسی".

وابستگی عاطفی و نداشتن عزت‌نفس: دو نفر از خانم‌های شرکت‌کننده اعلام کردند از ابتدا مایل به هم‌خانه شدن با دوست پسرشان نبودند اما چون عمیقاً دوست پسرشان را دوست داشتند و از بابت اینکه مخالفت آنان باعث تیره شدن روابطشان شود نگران بودند، با درخواست دوست پسرشان موافقت نمودند. خانم ش، ۲۴ ساله، گفت: "اینقدر دوست پسر را دوست دارم که نمی‌توانم در مقابلش مقاومت کنم. من شدیداً به او وابسته‌ام و برای نگه‌داشتنش هر کاری می‌کنم".

۴) نگرانی از پیامدهای طلاق: طلاق‌های دردساز، مشکلات مالی و عاطفی پس از طلاق، نگاه منفی جامعه به طلاق و طرد از خانواده از جمله دلایلی بودند که توسط تعدادی از شرکت‌کنندگان به عنوان دلایل عدم رغبت به ازدواج مطرح گردید.

جدایی دردرساز: تعدادی از شرکت‌کنندگان اظهار کردند به دلیل آمار بالای طلاق در سالیان اخیر، فرایند طولانی مدت طلاق و پیامدهای منفی مالی و عاطفی طلاق ترجیح می‌دهند خود را وارد دردرسهای ازدواج و طلاق نکنند. مثلاً آقای ن، ۲۸ ساله، گفت: "ازدواج علاوه بر آنکه آزادیم را از من می‌گیرد بعداً نیز مرا دچار دردسر می‌نماید. الآن اگر من و شریکم با هم توافق نداشته باشیم به راحتی از هم جدا می‌شویم و با فرد دیگری رابطه برقرار می‌کنیم و هیچ کدام دچار مشکل نمی‌شویم، حتی ضربه عاطفی نیز نمی‌خوریم چون آگاهانه این مسیر را انتخاب کرده‌ایم."

طرد توسط خانواده و جامعه بعد از طلاق: نگرانی از عدم پذیرش فرد بعد از طلاق از جمله عواملی بود که توسط شرکت‌کنندگان اظهار گردید. خانم ل، ۳۴ ساله، اظهار داشت: "بعد از آن که شوهرم طلاقم داد خانواده‌ام چندان روی خوش به من نشان نمی‌دادند و من را مقصر می‌دانستند. می‌خواستم خود را از زیر نگاه سنگین و سرزنش‌آمیز آنان خلاص کنم و برای آنان سربرار نباشم، پس درخواست یک مرد مطلقه را برای هم‌خانگی پذیرفتم". یا خانم س، ۲۹ ساله، اظهار داشت: "دوست ندارم جامعه به چشم یک زن بیوه به من نگاه کند، دوست دارم از طریق زندگی با طرفم نخست شناخت کافی از او پیدا کنم و در صورتی که تشخیص دهم می‌توانیم با هم خوشبخت شویم برای ازدواج آماده شویم. هر چند اعتقاد دارم باید خانواده‌ها خود این شرایط را فراهم کنند تا جوانان بدون دغدغه بتوانند طرفشان را محک بزنند!"

۵) کم‌رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده: امروزه خانواده به تدریج در حال از دست دادن کارکرد سنتی خود به عنوان نهاد نظارتی و حمایتی اعضای خانواده می‌باشد. فرزندان به دنبال خودمختاری می‌باشند و ادامه تحصیل و اشتغال این فرصت را به آنان می‌دهد که از حیطه نظارتی والدین خارج شوند و بر طبق خواسته خود تصمیم بگیرند و عمل کنند. کاهش کنترل والدین، رهایی از ارزش‌ها و نفوذ والدین و ترس از تنهایی و نداشتن حامی، مفاهیمی هستند که به عنوان اجزای این مقوله استخراج گردید.

کاهش کنترل والدین: از میان ۲۳ شرکت‌کننده، ۲۲ نفر آن‌ها دور از خانواده و در شهر دیگری مشغول کار یا تحصیل بودند. اکثر شرکت‌کنندگان، والدین خود را افرادی

سنتی معرفی کردند که زندگی بهنجاری دارند و افراد مقید و مذهبی می‌باشند و در صورت اطلاع از هم‌خانگی فرزندان‌شان آنان را طرد خواهند نمود. چند نفر اعلام کردند والدینشان خیلی به آنان اعتماد دارند و نیازی نمی‌بینند به زندگی فرزندان سرک بکشند. مثلاً خانم آ، ۲۴ ساله، گفت: "والدین من خیلی به من اعتماد دارند، آنان فکر می‌کنند من هنوز هم در خوابگاه با دوستانم زندگی می‌کنم و اصلاً به من مشکوک نمی‌شوند. هر چند که زندگی در منزل اجاره‌ای در دوران دانشجویی یک جور حس آزادی به من منتقل کرد".

یا خانم س، ۲۳ ساله، گفت: "والدینم فکر می‌کنند من علاوه بر تحصیل در شرکت کار می‌کنم و آنقدر گرفتار مشکلات خودشان هستند که فکر نکنم هرگز به خودشان زحمت دهند که راجع به زندگی من کنکاش کنند. اعتیاد پدرم همه چیز را نابود کرد".

پررنگ شدن نقش شبکه گروه‌های دوستی: تقلید از سبک زندگی دوستان و تحت تأثیر دوستان قرار گرفتن یکی از عوامل مهمی بود که در مصاحبه اظهار گردید. خانم ز، ۲۷ ساله، اظهار داشت: "به نظر من هم‌خانگی یک امر عادی می‌باشد. خیلی از دوستان من با دوست‌پسرشان زندگی می‌کنند و راضی هستند. حتی آشنایی من با شریکم نیز از طریق دوستانم صورت گرفت و آنان او را به من معرفی کردند". خانم دیگری اظهار داشت: "اوایل مخالف هم‌خانه شدن بودم اما دوستانم مرا امل و بی‌کلاس توصیف می‌کردند و عقاید مرا مسخره می‌کردند".

رهایی از ارزش‌ها و نفوذ والدین: چند نفر در مصاحبه‌ها بیان کردند هم‌خانگی به آنان اجازه می‌دهد فارغ از گیردادن‌ها و کنترل والدین، مطابق خواسته‌ها و میل خودشان زندگی کنند. مثلاً خانم ن، ۲۱ ساله، گفت: "فرار از کنترل والدین تقریباً مژثر بود. محدودیت‌هایی که برای رفت و آمد با دوستان می‌گذاشتند یا اینکه می‌خواستم تنهایی جایی بروم اذیتم می‌کردند. ولی الآن راحت‌تر".

ترس از تنهایی و نداشتن حامی: نگرانی از بودن در یک شهر غریب و نداشتن یک فرد حمایت‌گر به هنگام دلتنگی‌ها و مشکلات، یکی دیگر از عوامل مطرح شده توسط بعضی از شرکت‌کنندگان بود. مثلاً خانم ی، ۲۵ ساله، گفت: "اوایل که دانشگاه قبول شدم

خیلی احساس تنهایی و غربت می‌کردم تا اینکه با دوست پسرم آشنا شدم، بودن با او به من احساس آرامش می‌داد. دوست پسرم نیز همین وضعیت را داشت و دوست داشت من همیشه در کنارش باشم پس تصمیم گرفتیم با هم زندگی کنیم". خانم س، ۲۴ ساله، اظهار داشت: "از غیرتی که دوست پسرم روی من نشان می‌دهد خوشم می‌آید او در همه حال مواظب من است و این به من اطمینان خاطر می‌دهد، من که اینجا کسی را ندارم".

۶) آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی: ۵ نفر از شرکت‌کنندگان اظهار کردند زندگی با هم این امکان را می‌دهد که از عادات و خصیصه‌های یکدیگر بیشتر آگاه شوند و انتخاب درست‌تری انجام دهند. مثلاً آقای ر، ۳۰ ساله، اظهار کرد: "به نظر من هم‌خانگی خطا در انتخاب شریک مطمئن و مناسب را کاهش می‌دهد و این برای فرزندان خیلی حیاتی است که در هم‌چین روابط مطمئنی به وجود آیند". یا خانم م، ۲۵ ساله، گفت: "من نمی‌توانم بدون داشتن شناخت کافی از طرفم با او ازدواج کنم. ما حدود ۱ سال است با یکدیگر زندگی می‌کنیم و شناخت خوبی از همدیگر پیدا کرده ایم و در صورت فراهم شدن شرایط مناسب اقتصادی و پایان یافتن تحصیل ازدواج می‌کنیم".

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف کشف علل گرایش جوانان برای ورود به روابط هم‌خانگی انجام شد تا این دلایل را از دید افرادی که خود درگیر این روابط هستند بررسی نماید. در مطالعه حاضر اکثر شرکت‌کنندگان دارای مدارک دانشگاهی بودند و شواهد نشان می‌دهد که دوری از خانواده به مناسبت تحصیل یا کار، فرصت مناسبی را در اختیار این افراد قرار می‌دهد تا به دور از نظارت والدین انواع روابط پیش از ازدواج را تجربه کنند. این یافته تا حدی با نتایج تحقیقات خارجی از جمله فرنچ و همکاران (۲۰۱۴) و تیچمن (۲۰۰۳) ناهمخوان است، چون آنان در تحقیقات خود اظهار کردند که شیوع هم‌خانگی در میان افراد با تحصیلات غیر دانشگاهی بیشتر است.

نتایج مصاحبه‌های به عمل آمده با افراد هم‌خانه نشان داد این افراد گرایشات مذهبی ضعیفی دارند و حتی بعضی از آن‌ها اعتقادی به دین ندارند. هم‌چنین اکثر آن‌ها هنجارها و سنت‌های جامعه را قبول نداشتند و به نوعی طرفدار گرایشات روشن‌مآبانه بودند. این یافته

با نتایج تحقیقات استانی و همکاران (۲۰۰۴) و آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) هم‌خوان است، آنان نیز در مطالعه خود بین گرایش‌های ضعیف مذهبی و سنتی و تمایل به هم‌خانگی رابطه مثبت یافتند.

تقریباً نیمی از شرکت‌کنندگان که عموماً خانم بودند رابطه خود را زیاد رضایت‌بخش و جذاب توصیف نکردند و حتی تعدادی آن را شکل یک معامله توصیف کردند که سود اصلی را مردان کسب می‌کنند. همسوبا این یافته‌ها، استفورد و همکاران (۲۰۰۴) و اچ اولسون (۱۳۹۱) نیز در مطالعات خود اعلام کردند هم‌خانگی پیش از ازدواج با سطوح بالای افسردگی و سطوح پایین عزت‌نفس و رضایت از زندگی همبسته است.

در پاسخ به سؤال تحقیق، نتایج حاصل از مصاحبه‌ها تفسیر گردید و ۶ مقوله اصلی به عنوان دلایل و انگیزه‌های افراد برای هم‌خانه شدن استخراج گردید. مقوله اول با عنوان آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن نام‌گذاری گردید که شامل مفاهیمی چون افزایش سن ازدواج، عدم آمادگی برای ازدواج، تردید و دودلی در زمینه ارزش ازدواج، محدود شدن آزادی و ترس از پذیرش مسئولیت می‌باشد. این نشان می‌دهد که علاوه بر سخت شدن شرایط ازدواج، تفکرات و نگرش‌های افراد راجع ازدواج تغییر کرده است و جوانان بیشتر به دنبال تنوع می‌باشند و دوست ندارند خود را درگیر یک رابطه تعهد آمیز از نوع ازدواج نمایند. این نتایج با یافته‌های اچ اولسون (۱۳۹۱)، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) و آریو (۲۰۱۳) هم‌خوان می‌باشد.

مقوله بعدی با عنوان مزیت‌های اقتصادی نام‌گذاری گردید. همسو با نتایج مطالعات جکسون ۲۰۱۱، ادینال و همکاران (۲۰۰۴) و اسموک، کاسپر و وایز (۲۰۰۸)، نتایج این مطالعه نشان داد تعدادی از افراد به دلیل مشکلات مالی، نداشتن ثبات شغلی و صرفه‌جویی در مخارج زندگی هم‌خانگی را انتخاب می‌کنند.

ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، مقوله دیگری بود که از نتایج استخراج گردید که مفاهیم افزایش زمان باهم بودن، ارضای نیازهای جنسی و وابستگی عاطفی را شامل می‌شد. نتایج همسو با یافته‌های جکسون (۲۰۰۱) نشان داد که تعدادی از افراد وارد روابط هم‌خانگی می‌شوند تا رابطه جنسی آزادانه‌تر و بی‌دغدغه‌ای داشته باشند و زمان بیشتری در

کنار یکدیگر سپری نمایند و از طریق خودافشایی و در میان نهادن احساسات، صمیمت عمیق‌تری را تجربه کنند و به احساس آرامش دست پیدا کنند.

نگرانی از پیامدهای طلاق مقوله دیگری بود که استخراج گردید. شرکت‌کنندگان اظهار کردند از دردهای طلاق، مشکلات مالی و عاطفی پس از طلاق و نگاه منفی جامعه به طلاق و طرد از خانواده، نگران هستند و دوست ندارند با یک ازدواج شتاب‌زده خود را درگیر این مشکلات نمایند و ترجیح می‌دهند روابطی را انتخاب کنند که تعهدآور نمی‌باشد و در صورت انحلال، آنان را دچار دردسر چندانی نمی‌نماید. جکسون (۲۰۱۱)، ادینال و همکاران (۲۰۰۴) و اسموک، کاسپر و وایز (۲۰۰۸) نیز در مطالعات خود به این عوامل به عنوان دلایل گرایش به هم‌خانگی اشاره نموده‌اند.

کم‌رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده یکی دیگر از مقولات استخراج شده بود. کاهش کنترل والدین، رهایی از ارزش‌ها و نفوذ والدین و ترس از تنهایی و نداشتن حامی، مفاهیمی هستند که به عنوان اجزای این مقوله استخراج گردید. آزاد ارمکی (۱۳۹۱) نیز کلان‌شهرنشینی، شکاف نسلی، تسهیل روابط و کاهش کنترل خانواده را به عنوان عوامل مؤثر در رشد هم‌خانگی در تهران برشمرده است.

آخرین مقوله با عنوان ازدواج آزمایشی و آزمودن سازگاری نام‌گذاری گردید. همسو با نتایج مطالعات اچ اولسون، جکسون (۲۰۱۱)، ادینال و همکاران (۲۰۰۴) یافته‌ها نشان داد که تعدادی از افراد هم‌خانه به دنبال آن بودند تا از طریق زندگی باهم درک بهتری از یکدیگر کسب نمایند و نهایتاً ازدواج نمایند. هر چند که عده زیادی از شرکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که این مسئله تا به حال به ذهنشان خطور نکرده است.

همانطور که از نتایج پیداست هم‌خانگی به شکلی آرام و خزنده در حال جا باز کردن در زندگی جوان ایرانی می‌باشد و این خود تهدیدی جدی برای نهاد خانواده و ثبات ازدواج می‌باشد. متأسفانه دوری از خانواده و کم شدن کنترل اجتماعی در کلان‌شهرها به موازات نگرش‌های آزاداندیشانه نسبت به ازدواج و روابط جنسی قبل از ازدواج و مد شدن و رواج تنوع‌طلبی، فضای مناسبی را برای تجربه این نوع روابط توسط جوانان فراهم نموده است. آمار بالای طلاق، وفور خیانت‌های عاطفی و جنسی افراد متأهل و شیوع شکل‌های

جدید روابط قبل از ازدواج همگی بنیان خانواده سنتی ایرانی را نشانه رفته‌اند و حل این معضلات نیازمند عزم جدی مسئولان در سطح کلان و بازنگری در سیاست‌های شغلی، کارآفرینی واقعی، تحصیل در سطح آموزش عالی و حوزه فرهنگ می‌باشد. بی‌توجهی رسانه‌های داخلی به مسائل خانواده و معضلات اجتماعی موجود و ناتوانی در اشاعه فرهنگ ایرانی و اسلامی به شکلی جذاب و امروزی، خود زمینه‌ساز گرایش افراد به تقلید از سبک‌های زندگی تبلیغ شده در رسانه‌های خارجی شده است که می‌طلبد مسئولان در این زمینه جدی‌تر عمل کنند.

محدود بودن نمونه و دسترسی خیلی دشوار به افراد نمونه از محدودیت‌های مطالعه حاضر بود که امید است در مطالعات بعدی، این مسائل مد نظر قرار گیرد و تحقیق روی نمونه گسترده‌تری صورت گیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر. (۱۳۹۱). هم‌خانگی: پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۴۳-۷۷.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱-۳۴.
- اچ، اولسون. (۱۹۹۹). *مهارت‌ها ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد*. ترجمه: بحیرایی، احمدرضا؛ فتحی، نادر. (۱۳۹۱). تهران: نشر روانشناسی و هنر.
- صفایی، مهشید. (۱۳۹۰). جوانان و عشق؛ تأثیر زمینه‌های اجتماعی در مفهوم‌پردازی رابطه عاشقانه. *مجله اجتماعی روانشناختی زنان*، سال ۹، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۰، صص ۸۱-۱۰۴.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. (۲۰۰۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، جلد دوم. ترجمه: احمدرضا نصر. (۱۳۸۶). تهران: نشر سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

- Ariyo, A, M. (2013). Pre-Marital Cohabitation Factors: Evidence from Nigeria. *Psychology and Social Behavior Research*, 1(4), 128-136
- Bourdais, C. L. and A. E. Lapierre (2004). 'Changes in Conjugal Life in Canada: Is Cohabitation Progressively Replacing Marriage?' *Journal of Marriage and Family*, Vol. 66, No. 4.
- Brown, S. L. and A. Booth (1996). 'Cohabitation Versus Marriage: A Comparison of Relationship Quality', *Journal of Marriage and Family*, Vol. 58, No. 3.
- Bumpass, L. and H. H. Lu (2000). 'Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States', *Population Studies*, Vol. 54, No. 1.
- Carr, D. (2011). 'Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate, and Think about Marriage by Mark Regnerus and Jeremy Uecker', *American Journal of Sociology*, Vol. 117, No. 3.
- Cohabitation Effect. *Family Relations*, 55 (October 2008), 499-509. Blackwell Publishing.
- Copen, E. (2013). First Premarital Cohabitation in the United States: 2006-2010 National Survey of Family Growth. *National health statics reports*, Number 64, April 4, 2013.
- Corbin, J. and A. Strauss. (2008). *Basics of Qualitative Research*, London: Sage.
- Edin, K. Kefalas, M. J. & Reed, J. M. (2004). A peek inside the black box: What marriage means for poor unmarried parents. *Journal of Marriage and Family*, 66, 1007-1014.
- Ermisch, J. (2005). 'The Puzzling Rise in Childbearing outside Marriage. *Understanding Social change*, Oxford: Oxford University Press
- Esteve, A. R. Lesthaeghe, and A. López-Gay (2012). 'The Latin American Cohabitation Boom, 1970-2007', *Population and Development Review*, Vol. 38, No. 1.
- French, M, T. Popovici, I. Robins, P. Homer, J. (2014). Personal traits, cohabitation, and marriage. *Social Science Research* 45, 184-199.
- Goodwin, P. Y. W. D. Mosher, and A. Chandra (2010). 'Marriage and Cohabitation in the United States: A Statistical Portrait Based on Cycle 6 (2002) of the National Survey of Family Growth', *Vital and Health Statistics*, Series 23, No. 28.

- Jackson, A. (2011). Premarital cohabitation as a pathway into marriage. An investigation into how premarital cohabitation is transforming the institution of marriage in Ireland. The submitted thesis for award the PHD of sociology. National University of Ireland, Maynooth.
- Kojima, Hiroshi (2010) "Correlates of Cohabitation in East Asia: with special reference to the effects of education." Jinko Mondai Kekyu [*Journal of Population Problems*], Vol.66, No.1, pp.17-48.
- Kulu, H. & Boyle, P. J. (2010). Premarital cohabitation and divorce: Support for the "Trial Marriage" Theory? *DEMOGRAPHIC RESEARCH*, 23, 31, 879-904.
- Nazio, T. (2008). *Cohabitation, Family & Society*, London: Routledge.
- Smock, P. and W. Manning (2004). 'Living Together Unmarried in the United States: Demographic Perspectives and Implications for Family Policy', *Law & Policy*, Vol. 26, No. 1.
- Smock, P. L. Casper and J. Wyse (2008) "Nonmarital Cohabitation: Current Knowledge and Future Directions for Research." Research Report 08-648, Population Research Center, University of Michigan
- Stanley, S, M. Rhoades, G. Markman, J, H. (2008). *Sliding Versus Deciding: Inertia and the Premarital*
- Thornton, A. G. William, W. G. Axinn and, Y. Xie. (2007). *Marriage and Cohabitation*, Chicago: The University of Chicago Press.